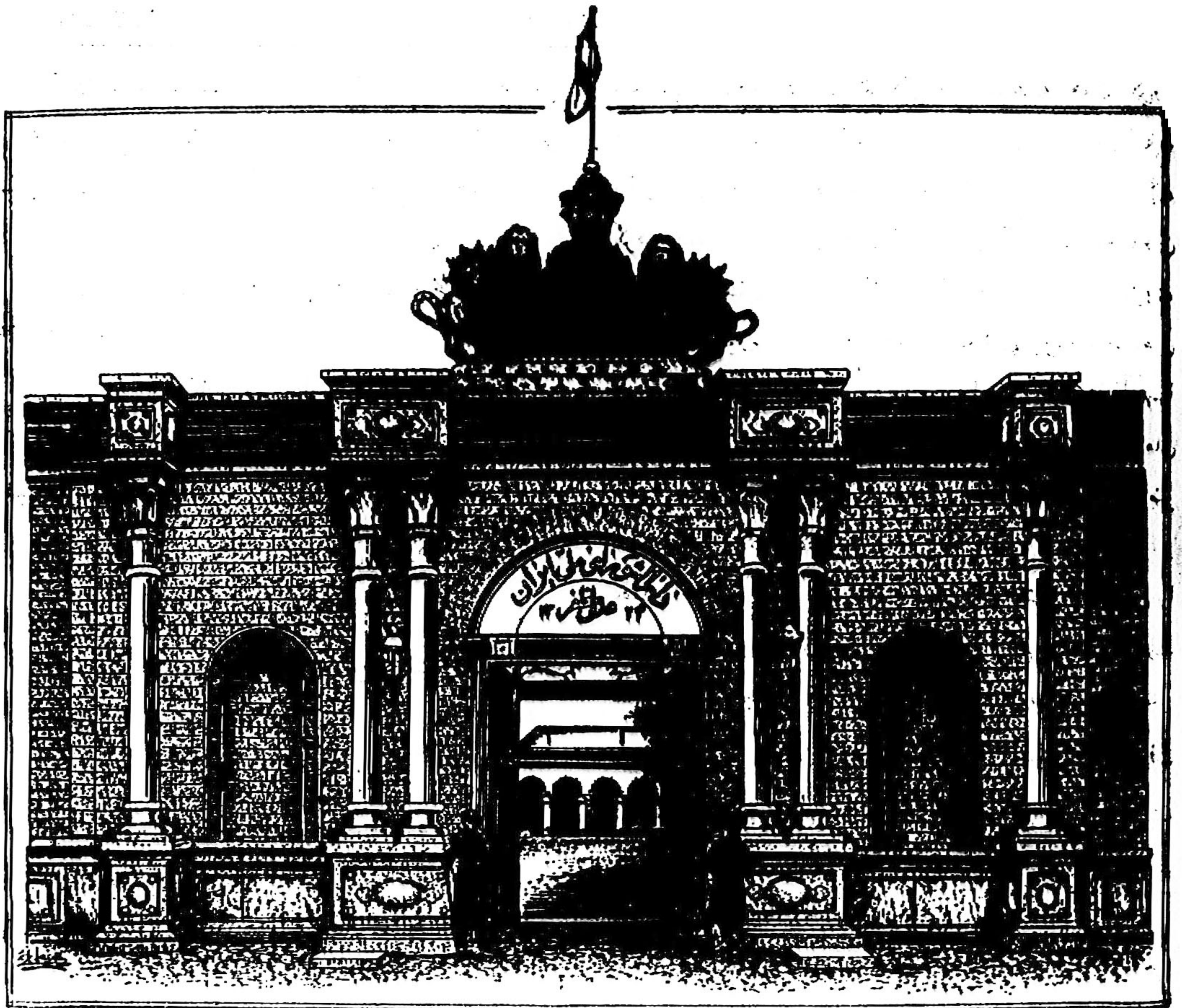


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۰۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۶۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره بک قران</p>

فهرست مندرجات

	از صفحه	الی صفحه	عنوان	
	۳۴۳۹	۳۴۴۷	بقیه مذاکرات نسبت بمواد الحاقیه قانون استخدام اعضاء ادارى مجلس شورای ملی و تصویب آن	۱
	۳۴۴۷	۳۴۴۸	مذاکره نسبت بقابل توجه بودن طرح پیشنهادی عده از نمایندگان راجع به معافیت اهالی میثاق از تأدیبه مالیات مستقیم و قابل توجه شدن آن	۲
	۳۴۴۸	۳۴۵۹	بقیه شور اول نسبت بخبر کمیسیون فوائد عامه راجع به لایحه امتیاز چراغ برق در شهرها تا ماده ۸	۳
	۳۴۶۰		مواد الحاقیه قانون استخدام اعضاء ادارى مجلس شورای ملی	۵



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۰۴

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر
براست آقای پیرنیا تشکیل کردند)
(صورت مجلس بوم پنجشنبه دوازدهم بهمن ماه
را آقای سنگهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : ایلخان - دشتی - آقا میرزا هاشم آشتیانی -
میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا -
غائبین با اجازه جلسه قبل

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - بنی سلیمان - میرزا ابراهیم آشتیانی - حاج غلامحسین ملک در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: روحی - نجومی - بالیزی - نوین - سلطان محمد خان عامری -

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: شریعت زاده - قوام شیرازی - عباس میرزا بهبهانی - دکتر مصدق -

رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد (گفتند - خبر)

رئیس - طرح راجع به مستخدمین مجلس مطرح است
پیشنهاد آقای فیروز آبادی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده اول قانون استخدام اعضاء اداري مجلس شورای ملی مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۴ شمسی بحال خود باقی بگذارد
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که مثل تمام آقایان علاقه مند به اصلاحات مملکت هستم و عقیده ام این است که اسباب آسایش تمام افراد مملکت بابتی فراهم شود و اختصاص به بعضی دون بعضی نباشد به این نظر بنده عقیده ام این است که رتبه های ادارات را باین بیاوریم نه اینکه رتبه هشت و نه ای هم برای مجلس قائل شویم بنده عقیده ام این است مجلس منشاء و سر مشق تمام اصلاحات باید باشد و هر کاری که میخواهیم بکنیم اول بابتی درباره خودمان آن کار هارا بکنیم بعد در اینجا که اجرا شد بدیگران هم بگوئیم که شما هم باید متابعت کنید نه اینکه يك قانونی باشد مثل همان قانون استخدام کشوری که الحق و الاصاف وقتی که نگاه کنیم می بینیم که این قانون بجهت مملکت ما و دولت ما مضر است و

منقریب بودجه ادارات مملکتی مارا شاید به هفت کرور برساند بنده عقیده ام این است که آن بودجه را باید باین بیاوریم بنده با بعضی از مستخدمین مجلس مذاکره کردم دیدم خود آنها هم مذاکره کردند که ما خودمان هم راضی نیستیم که يك حقوقی بر حقوق ما افزوده شود ما میل نداریم که خودمان را بر مردمان این مملکت ترجیح بدهیم بطریقى که آنها از گرسنگی بگریزند و ما هر ماهی سیصد و بیست تومان حقوق بگیریم خود اینها هم صاحب عاطفه هستند و حاضر نیستند پس بنده عقیده ندارم که تبصره نسخ شود و عقیده ام این است که بحال خود باقی باشد و قانون را نسخ نکنند و حقوق سایر ادارات را هم باین بیاورند نه اینکه اینجا را هم برند بالا دیگر عرضی ندارم
رئیس - به این پیشنهاد اینطور نمیشود رأی گرفت دو طریق داریم یکی این است که بطریق ماده الحاقیه بنویسند و رأی بگیریم و طریق دیگرش هم تجزیه است که آقای حاج آقا رضا پیشنهاد کرده اند (پیشنهاد آقای رفیع بشرح آن خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه دوم تجزیه شود به سه رأی يك رای گرفته شود از اول ماده تا ضامن معتبري حتمی خواهد بود يك رای از کلمه مواد ۱۷ و ۲۶ تا نسخ میشود يك رای به تبصره

رئیس - آقای رفیع
رفیع - عرض میکنم که مدتی است این فکر در بین نمایندگان است که اصلاً حقوق نمایندگان کسر شود و گمان میکنم موفقیت حاصل کنیم و يك مبلغی را بمجلس پیشنهاد کنیم و همه نمایندگان هم موافقت فرمایند (صحیح است) بودجه اداري مجلس تقریباً هشتاد هزار تومان است ما هشتاد هزار تومان خرج میکنیم برای دویست و پنجاه هزار تومان مخارج يك مؤسسه ملی باید تناسب را همیشه در نظر گرفت هشتاد هزار تومان ما برای چه خرج میکنیم؟ در صورتیکه باید بیست هزار تومان خرج کنیم خود

این يك خرج هنگفتی است معنای اینکه وکیل از لجن مصون است این است که وکیل بدون رودربایستی بپندد خودش را بگوید بدون اینکه کسی برنجد باز بچند بابتی وکیل عقیده خودش را آزادانه در مجلس شورای ملی اظهار کند . میگویند ما اعضاء فنی میخواهیم برای مجلس شورای ملی اعضاء فنی معنایش این است که بکنفر منشی که مشغول انشاء است پنجاه سال دیگر هم که انشاء الله مجلس باز باشد آن منشی باید مشغول انشاء باشد و اگر آن منشی رفت يك منشی دیگر بیاورند فلان وزارتخانه اگر مدیر کل تربیت میکند برای این است که لازم دارد این آدمی که مثلاً در وزارت خارجه مدیر کل میشود بابتی اول ثبات باشد تا کم کم این مراتب و مقامات مادون را طی بکنند تا برسد به آن مرتبه عافوق و بالاخره تربیت بشود و بعد از صد و بیست سال که يك مدیر کلی مرحوم شد این شخص را بفرستند جای او و قائم مقام او قرار دهند ولی مجلس اینکار ها را ندارد مجلس يك کارهای معینی دارد و بالاخره تا وقتی هم برقرار است و آن کار ها بابتی برقرار باشد مثل اینکه يك شخصی برای خاله خودش يك پیشخدمت میخواهد شاید این پیشخدمت يك مستخدمی است که بیست سال است جان میکند و حالا میگوید من باید مدیر کل بشوم آن شخص میگوید من رتبه نه نمیخواهم پس تا وقتی که رتبه نه برای او نیست و او میخواهد رتبه ۹ برسد بسلامتی میرود در وزارتخانه های دیگر و در آنجا انشاء الله بمراتب عالی هم نایل میشود و بالاخره از این اداره بآن اداره تا اینکه مقامات عالی را پیدا میکند ما هم اگر بخواهیم در اینجا کارخانه مدیر سازی درست کنیم برای اجزا و اینچاره هم مثل جاهای دیگر بکنیم بکدفه ملاحظه می کنید می بینید که چند سال نمیگذرد که ما سی تا مدیر کل داریم . چه کار کنیم ؟ آقای مدیر کل را بیاوریم اینجا و بگوئیم در اینجا بنشین . و برای ما تقریر عربی بکن ؟ این بیچاره باید مشغول کار خودش

باشد البته کار زیاد میدهد اضافه جمعی باید داد همراهی باید کرد شب عید است مساعدت باید کرد اما رفیع مقام برای اشخاص فنی اینجا غلط است آن کسی را میخواهیم مشغول کار فنی باشد این بعد از چند سال چه میخواهد بشود ؟ امروز الكتریک را هم بلد است فردا هم بلد است بالاخره باید در همان کار باشد ده سال دیگر هم بلد است و باید کارخانه الكتریک را هم اداره کند بنا بر این بنده اینطور پیشنهاد کردم که يك رای گرفته شود از اول ماده الحاقیه تا ضامن معتبري حتمی خواهد بود و يك رأی هم گرفته شود از مواد ۱۷ و ۲۶ قانون استخدام کشوری تا نسخ میشود و البته ما به این قسمت زای نمیدهم بجه مناسبی نسخ شود و تبصره اخیرش هم خیلی خوب است پس سه رأی بگیریم اولی را رای میدهم و دومی را رای نمیدهم و سومی را هم رای میدهم
رئیس - رأی میکنیم به ماده الحاقیه دوم بترتیبی که قرائت میشود .
(اینطور خوانده شد)
ماده الحاقیه دوم - نسبت به دارائی نقدی و جنسی مجلس در مواردی که اداره مسئول لزوم آن را تشخیص دهد اخذ وجه الضمانه یا دادن ضامن معتبري حتمی خواهد بود .
رئیس - رأی میکنیم به این قسمت آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . قسمت دوم (اینطور خوانده شد)
مواد ۱۷ و ۲۶ قانون استخدام کشوری شامل مستخدمین اداري مجلس بوده و تبصره ماده اول قانون استخدام اداري مجلس مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ نسخ می شود
رئیس - رأی میکنیم به این قسمت آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. قسمت سوم
(بطریق ذیل قرائت شد)
بصره - اجرای مواد الحاقیه مذکوره فوق از طرف
مجلس با رعایت ماده هفت قانون استخدام اداری مجلس
مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ بعمل خواهد آمد
رئیس - آقایانیکه این قسمت را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(اکثر برخواستند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بقسمت اول رسوم
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه آقای اعتبار
(اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم: مستخدمین
مجلس شورای ملی بشرايط مندرجه در ماده ۴۳ قانون
استخدام کشوری با داشتن سی سال خدمت متناوب و ۲۵
سال متوالی میتوانند متقاعد شوند

بصره - بند اول و دوم قانون استخدام کشوری هم
بطریق فوق تفسیر میشود
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - برای اینکه مطلب توضیح شود اجازه میفرمائید
ماده ۴۳ قانون استخدام را بنده میخوانم ماده ۴۳
عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو
شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند

- ۱ - پس از سی سال خدمت و شصت سال عمر
- ۲ - در صورت داشتن پنجاه و پنجسال سال عمر و بیست
و پنجسال خدمت مشروط بر اینکه بیست سال آن را
متصدی شغل بوده باشد و هرگاه تحلیل قوا وضعف و پیری مانع
نشود و مایل باشد تا سن هفتاد نیز میتواند مشغول خدمت باشد
ولی در هفتاد سالگی باید حتماً از خدمت معاف شوند
بنده تصور میکنم موقعی هم که قانون استخدام در دوره

چهارم از مجلس میگذشت نظر قانونگذار این بوده
است یعنی اینطور که اینجا نوشته شده اینجا دو شرط
از برای مستخدمینی که میخواهند متقاعد بشوند قائل
شده است يك شرطش البته دست خود مستخدم است
و میتواند پس از سی سال خدمت متقاعد شود ولی يك
شرط دیگرش دست خودش نیست و آن شصت سال عمر
است. شصت سال عمر را نمیتواند تأمین کند مستخدم
مطابق قانون از سن هیجده سالگی سنین خدمتشن
شروع می شود پس از اینکه يك مستخدمی از سن
هیجده سالگی وارد خدمت شد و سی سال هم خدمت کرد
در سن چهل و هشت سالگی میتواند متقاعد بشود و در
عمل آنچه که نا محال می بینیم وزارت مالیه عمل میکند
این است که مستخدمی که چهل سال چهل و پنجسال
خدمت کرده ولی شصت سال عمر ندارد یا پنجاه و هشت
سال عمر دارد یا در پنجاه و هشت سالگی میمرد وزارت
مالیه با او در قسمت تقاعدش هیچوجه موافقت نمیکند
و این چهل و پنج شش سال خدمت را کان لم یکن
میشمارد بنده تصور میکنم که نظر مجلس هم در آن موقع
این بوده است که سی سال خدمت یا شصت سال عمر را
قائل شده است برای اینکه پس از سی سال خدمت
یا شصت سال عمر البته میتواند متقاعد بشود مستخدمی
که شصت سال عمر دارد و ده سال هم خدمت کرده باشد
نسبت به سنین خدمتش با او محسوب خواهند کرد یعنی
شصت حقوقش را ضرب در سنوات خدمتش میکنند و
به او میدهند بنده اینجا خواستم راجع به مستخدمین
مجلس این عیب را همه آقایان متوجه باشند و رفع آنرا بکنیم
یعنی ملاک تقاعد را خدمت قائل شویم یعنی يك مستخدمی
که سی سال خدمت متناوب یا بیست و پنج سال
خدمت متوالی داشت می تواند متقاعد شود اع-م
از اینکه شصت سال عمر داشته باشد یا پنجاه و پنج
سال و از آن طرف هم چون اینجا يك ابهامی بنظر من
میرسد خواستم این قسمت را مجلس موافقت بفرمایند

که این اشکال برای مستخدمین کشوری هم مرتفع شود
که وزارت مالیه يك مستخدمی که چندین سال خدمت کرده
است برای کسر سه ماه یا چهار ماه یا پنجاه ماه سابقه
خدمت او را از بین نبرد

رئیس - آقای شیروانی موافقت میکنند؟

شیروانی - خیر عرض میکنم که بنده یا پیشنهاد
ایشان در آن قسمتی که شصت سال عمر حذف شود،
مخالفم و جهتش هم این است که اگر يك مستخدمی
نوزده سال خدمت کرد و شصت سال هم عمر کرد این
نوزده سال خدمت او مطابق پیشنهاد ایشان از بین
خواهد رفت در صورتیکه ماده بعد که در قانون
استخدام هست ماخذ استفاده از حقوق تقاعد را سنین
خدمت قرار داده یعنی اگر کسی یکسال خدمت کند
شصت يك حقوقش را بگیرد و اگر سی سال خدمت
بکند نصف حقوقش را بگیرد ولی اگر این ماده باین
ترتیب تصویب شود يك شخصی که پیر میشود
و بیست و چهار سال است خدمت میکند و حالا به
سن شصت سالگی رسیده (و مطابق يك ماده دیگر
باید از خدمت معاف باشد) باید یکشاهی هم حقوق
تقاعد باو ندهند این بعقیده بنده يك ظلمی است و
قانون گذار هم در آن موقعی که قانون را وضع کرده
منظورش همین بوده است که با سی سال خدمت داشته
باشد یا شصت سال عمر و در آنجا (یا) تبدیل به (و)
شده است و اگر او را تبدیل به (یا) کنند و (یا)
شصت سال عمر) نوشته شود بنده تصور میکنم تمام این
اشکالات مرتفع میشود بنا بر این بنده يك پیشنهاد و
اصلاحی به پیشنهاد ایشان خواهم کرد که (با شصت سال
عمر) اضافه شود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده مخالفم اجازه میفرمائید عرض کنم؟

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم که این دو جنبه دارد بکیش

راجع به مجلس است و بنده نظر به اطلاعی که دارم اگر
این ماده بگذرد یکی دو سال دیگر قریب چهل نفر از
اعضاء مجلس که متقاعد میشوند سهل است اکثر اعضاء
وزارتخانه ها هم متقاعد میشوند این طوری که ایشان
پیشنهاد کردند از سن هیجده سالگی شروع به خدمت
میشود و سی سال که خدمت کرد نازده چهل و هشت
سالش میشود و آنوقت نازده موقعی است که بکنفر
مستخدم تجربیاتش کامل شده و مملکت نازده از وجود
این شخص باید استفاده کند. آن روز را همچو مقرر
میدارند که روز تقاعد این آدم است. علاوه بر این
بنده اطلاع دارم که مستخدمینی هستند که در سن
پنجاه سالگی با قدری کمتر باید شتر وارد خدمت شده اند اینها
بسن شصت که رسیدند باید متقاعد شوند. حالا اینطور
صلاح میدانید؟ بنده که گمان میکنم صلاح نباشد
حالا این پیشنهاد از چه نقطه نظر است و چه چیز
ایجاب کرده است که ما این ماده را برای اصلاح امور
جامعه پیشنهاد کنیم و رای بدهیم و صرف وقت و
بذل اوقات کنیم این بجای خودش باشد. لیکن میخواستم
تذکری بدهم که نواقص قانون استخدام منحصر به این
نیست. نواقص فوق العاده دارد. برله مملکت بر علیه
مملکت، برله مستخدمین، بر علیه مستخدمین، و این
مطلب را هم نازده بنده حس نکرده ام از دوره پنجم به
این طرف احساس شده بود و لزوم تجدید نظر را هم
مجلس رای داد. دولت هم اعتراف کرد و کمیسیون برایش
انتخاب شد. پس بگذارید همین مطلبی را که میفرمائید
در آنجا مطرح کنند و تجدید نظر کنند که برله يك
دسته و طایفه نباشد و برله طرفین باشد. در هر صورت
جميع مواد بایستی تجدید نظر شود. این است که بنده
این پیشنهاد را در اینجا بخصوصه بيمورد می دانم

رئیس - چون آقای شیروانی نسبت به این پیشنهاد

اصلاحی پیشنهاد کرده اند باید به اصلاح ایشان رای

بگیریم (خطاب با آقای شیروان) توضیح میدهد ؟
 شیروانی - توضیح بنده همان بود که عرض کردم مجدداً عرض میکنم بکنفر مستخدم اگر بیست و چهار سال خدمت کرد و به شصت سال عمر رسید مطابق این قانون این بیست و چهار سال خدمت او بکلی ازین خواهد رفت در صورتیکه اگر به شصت سال عمر رسید بایستی هر قدر خدمت کرده باشد از سنوات خدمت خودش استفاده کند یعنی اگر یکسال خدمت کرده باشد یک شصتم حقوقش را بگیرد و اگر سی سال خدمت کرده باشد سی شصتم حقوقش را که نصف حقوقش باشد بگیرد این عادلانه تر است تا بیست و پنجسال خدمت متوالی با سی سال خدمت متناوب و شصت سال عمر

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده با این اصلاحی که آقای شیروان در پیشنهاد بنده کردند موافقت میکنم و استدعا میکنم در همان پیشنهاد اصلاح بفرمایند و اگر اجازه میفرمائید آقای کازرونی در بیاناتی که کردند یک اشتباهی کردند و سوء تفاهمی شد که باید توضیحاتی عرض کنم. اینجا آقای کازرونی فرمودند که اگر ما بخواهیم قائل شویم که مستخدم از سن هیجده سالگی شروع با استخدام او بشود آنوقت در سن چهل و هشت سالگی متقاعد خواهد شد این را قانون قائل شده است اگر اجازه میفرمائید بخوانم:

فصل اول شرایط خدمت

۱ - خدمت رسمی عبارت از دارا بودن شغل ثابت در یکی از وزارتخانهها و ادارات دولتی
 ۲ - داوطلبان خدمت رسمی در ادارات کشوری باید شرایط ذیل را دارا باشند

(نداشتن کمتر از هیجده سال) پس این را قانون پیش بینی کرده و همینطور هم عمل میشود یک مستخدمی وقتی می خواهد سنین خدمت خودش را در اداره تقاعد بگذراند برای او اول سن هیجده سال را قائل می شوند و اگر شانزده یا هفده سال هم باشد آن

دو سال را محسوب نمی کنند و از سن نوزده ببعده را حساب میکنند و برای او سنین خدمت معین میکنند و اما اینکه فرمودند اگر با این پیشنهاد موافقت کنیم همه مستخدمین متقاعد میشوند این طور نیست این جادر همان ماده ۴۳ بنده قسمت دومش را برای حضرت مستطاب عالی میخوانم میگوید « هرگاه [مستخدمی را] تحلیل قوی و ضعف و پیری مالمع اشود و مایل باشد تا سن هفتاد نیز میتواند مشغول خدمت باشد البته در این صورت تصدیق میفرمائید که هیچ مستخدمی وقتی بسن ۴۸ سال رسید خود بخود از کار متقاعد نمیشود. الان جناب عالی مراجعه بفرمائید هر يك از مستخدمینی که قانوناً میتوانند متقاعد شوند بهیچوجه حاضر نمیشوند از کار کناره بگیرند در این صورت بنده تصور نمیکنم نظر حضرت مستطاب عالی مورد پیدا کند فقط چیزی که هست این است که قانونی که در دوره چهارم گذشته نظر قانون گذار این بوده برای اینکه تضمین عمر کردن يك چیزی نیست که مجلس شورای ملی بایک جامعه باو رأی بدهند و او را تثبیت کنند و این جا يك اشتباهی شده و همانطور که آقای شیروانی تذکر داده دادند کلمه «یا» تبدیل به «و» شده است و حالا در این موارد تبعیض می شود بنده خواستم مجلس این قسمت را اصلاح کند که این تبعیض از بین برود و چرا بر آقایان مینماید که يك مستخدمی که سی سال به يك دامنی خدمت کرده است تقاضای تقاعد بکند ؟ خیر. مستخدم بوده است. سی سال هم خدمت کرده حالا هم تقاضای تقاعد میکند که برود گوشه خانه اش بنشیند زندگی کند. این يك چیز مهمی بنظر آقا جلوه نکند.

(پیشنهاد آقای اعتبار باضافه جمله (یا شصت سال عمر) مجدداً خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه و تبصره را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. رای قطعی گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه آقای زوار (مضمون ذیل خوانده شد)

مستخدمین مجلس که دارای رتبه ۷ هستند میتوانند از مجلس خارج و در یکی از وزارتخانهها مستخدم شوند جمعی از نمایندگان - هست هست زوار - بسیار خوب این هست هست ها را من سند قرار میدهم برای آقایان

رئیس - کسی که نمیتواند مالمع شود

زوار - پس بفرمائید در صورت مجلس هم درج بفرمایند رئیس - مذاکرات راجع بکلیات است. آقای تقی زاده

تقی زاده - این قانون استخدام اداری مجلس البته مسئله خیلی مهمی نیست و نبایستی خیلی وقت مجلس را صرف این بکنیم و بنده هم آن اهمیت خیلی بزرگ اساسی را بهش نمیدهم ولی يك ملاحظاتی داشتم که تصور کردم بهتر است که قبل از اینکه این قانون تصویب شود گفته شود و نکته نماند تا شاید برای آتیه مفید باشد بنده با این قانون از اول تا آخر مخالف بودم و در هیئت رئیسه هم البته موافق نبودم ولی بواسطه اینکه اکثریت هیئت رئیسه و مجلس موافق بودند که يك ترتیبی حاصل شود و بعضی اشکالاتی که گفته شد ما این مجلس و وزارت مالیه و سایر ادارات پیش آمده که هر چه زودتر بایستی تصفیه شود در مواد مخالفی نکردم ولی بمقیده بنده یکی از ملاحظات اساسی این است که باید این قسمت معلوم شود که انشاء الله این کار در آتیه اصلاح شود که هم این قانون و هم قانونی که قبل از این برای استخدام مستخدمین مجلس گذشته هر دو منسوخ شود و مستخدمین مجلس هم تابع قانون استخدام کشوری بشوند مستخدمین مجلس هم مستخدمین

این مملکت هستند. بنده می خواهم نظر آقایان را باین مسئله جلب کنم آقایانای هستند در اینجا که الحمد لله منطق هم میدانند ولی آن دلیلی که برای اجرای این قانون می آورند تناسبی با مدلولش ندارد یعنی به عقیده بنده مغالطه است. ضمناً دلیل این است که مجلس باید مستقل باشد. مجلس باید نسبت با اجرای قانون استخدام مستخدمین خودش چه ترفیع چه تزیل و چه سایر قسمت ها تماماً و کاملاً باید مستقل باشد و بقدری مستقل باشد که هیچ اداره دولتی و هیچ اداره تقنینی نتواند در کار مجلس مداخله کند ولی این مطلب ربطی و نسبتی ندارد و دلیل برای این نمیشود که به جهت مستخدمین مجلس قانون دیگری وضع کنند بنده میخوانم يك مثلی عرض کنم. اگر مجلس جلودرپ خودش چند باب دکان بسازد و اجاره بدهد آیا يك قانون مستغلات علیحده برای آن دکانها لازم است یا همان قانون مستغلات مملکتی باید اجرا شود ؟ البته دیگران نباید مداخله کنند و باید خود اداره مباشرت مجلس این کار را بکند ولی نه اینکه يك قانون مستغلات علیحده برای این چندتا دکان بگذاریم. بمقیده بنده این مسئله بقدری دور از منطق است که حتی هیچ دلیل سستی هم برای تصویب این قانون نمیشود پیدا کرد علاوه بر این اینطور قانون هم باعث ضرر مستخدمین مجلس میشود و هم ضرر مستخدمین دولت برای اینکه چرا فرق بین دو دسته مستخدمین باشد ؟ اگر اینهاست که در مجلس هستند از بعضی چیزهایی که مستخدمین کشوری یعنی مستخدمین این مملکت دارند محروم شوند چرا باید محروم شوند و اگر باید امتیازاتی با آنها داشته باشند خوب. چرا باید امتیاز داشته باشند ؟ بسیار خوب. وقت و بیوقت کار میکنند. اینها هم مثل دیگران فوق العاده بگیرند پس هیچ دلیلی برای اینکار نیست گفته میشود که اصلاً قانون استخدام کشوری معایبی دارد و بد است. قبول دارم. بیست هزار نفر مردم در زحمت هستند.

چرا آن صد نفر یا دوست نفری که تحت حمایت خودمان است راحت باشند و بگذاریم آن بیست هزار نفری که مأمول نگاهداری آنها هم هستیم در زحمت باشند؛ بگذارید اینها هم در زحمت باشند و با آنها همصدا شوند و شکایت کنند با آن قانون را اصلاح کنیم. این شایسته مجلس نیست که برای وکلای خودش برای اعضاء خودش تمام فکر های خوب را بکند و همیشه تمام محسنات و مزایا را برای خودش فراهم کند در صورتیکه مجلس برای خودش تنها نیست. برای مملکت است و برای مملکت باید قانون بگذارند آنهائی که در ادارات هستند اگر در زحمتند مأمول هستیم و اگر هم در راحت هستند ما مسؤولیم. لهذا عرض میکنم که مستخدمین مجلس هم مثل مستخدمین کشوری هستند یعنی مستخدم این مملکت و تابع همان قانون باید بشوند فقط يك استثنائی باید قائل شد که در اجرای آن قانون و تشخیص و ترفیع رتبه و طی مراتب و تمام آن چیزها کاملاً مجلس مستقل باشد. حتی قبول دارم که اگر اثباتها هم مجلس بيك کسی که رتبه ۲ را دارد رتبه ۵ بدهد ادارات دولتی حق اعتراض و تفتیش نداشته باشند و از این جا هر چه بیرون رفت حکم صریح باشد اما نه اینکه اینجا ما اختلافی بین دو دسته مستخدمین و در قانون بیندازیم که در ماهیت عموم خصوص من وجه پیدا شود. يك چیزی در آنجا هست در این جا نیست يك چیزی در اینجا هست در آنجا نیست. این مثل دو خط کجی است که بمرور زمان هر چه زود تر ببرند همی از هم فاصله اش بیشتر میشود آنوقت يك ماده الحاقیه این جا لازم بشود بعد يك ماده الحاقیه به قانون استخدام کشوری باید اضافه کرد تا با مال این جا موافقت کند همی هر روز وصله و پدیده بکنیم تا این دوتا با هم توافق پیدا کند در صورتیکه اگر یکی بود هیچ زحمت وارد نمیشد. علاوه بر این به این قانون استخدام اداری مجلس بعضی اشخاص ایراد دارند و آنچه بنده دقت کرده ام ایرادشان صحیح است. این يك سوراخی

است که در قانون استخدام کشوری باز کرده است ما میتوانیم برویم از کوچه بيك نفری را بیاوریم در رتبه چهار بگذاریم و وقتی هم از این جا رفت در ادارات دولتی با همان رتبه چهار وارد میشود و این باعث این است که اشخاصی که میخواهند داخل ادارات کشوری بشوند و ماسد سدی جلو آنها کشیده ایم که باید نود و نهی باشد چه باشد چه نشد و نتوانند بالاخره از راه استخدام این جا وارد در ادارات دولتی بشوند. این را بعضی ایراد کرده اند. بنده خودم ایراد نکردم بمن گفته اند. ولي بعد از دقت من جواب صحیحی پیدا نکردم که بانها بگویم. عرض نمیکم در مقام عمل ادارات مجلس اینطور میکنند یا اجازه میدهند که اینکارها تشریح شود شاید این کار هم واقع نشده باشد اما ممکن است بشود بنا بر این نمیخواهم نتیجه مخالفت بنده این بشود که اگر الان يك اقتضائی دارد باعث این بشود که این قانون بهم بخورد ولي میخواهم انشاء الله برای آتیه زمینه هائی تهیه بشود برای اینکه این قانون حالیه و آن قانونی که این ماده الحاقیه برای آن نوشته میشود هر دو بر طرف شود و انشاء الله يك روزی تمام مستخدمین مملکت دارای يك قانون بشوند منتهی در قسمت اجرای قانون استخدام مستخدمین مجلس خود مجلس کاملاً مستقل باشد

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - عرضی ندارم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم ملاحظاتی را که آقا فرمودند که میبایستی حتماً قانون استخدام اجزای مجلس شورای ملی و مستخدمین کشوری مساوی باشد در اوایل درست فرمودند ولی در منتهی ما بهم رسیدیم در دو خط دور شروع کردیم ولی در تقاطع بهم رسیدیم برای اینکه خود حضرتعالی فرمودید ما باید يك استثنائی قائل شویم که آن استثناء عبارت از شناختن رتبه ها و درجات مستخدمین مجلس باشد و بالاخره این قیمت ها را از

المداخله غیر مصون نگاه ندارد. قضیه را باید فهم کرد و بعد اجرا کرد. این جا همان نقطه تقاطع است. آقا از بيك راه دیگری آمدند ولی در منتهی بهم رسیدیم طرز فکر یکی است. فکر ما هم همین بود. اصلاً فشار این فکر را خلق کرد که مجلس شورای ملی بيك رخنه و روزنه ندهد که در کار او مداخلاتی بکنند چون خود آقا میدانید وقتی که در بيك قضیه مداخله میشود اول سر نخ می آید بیرون می آورند بعد کم کم از او طناب و زنجیر بیرون می آورند. همیشه مداخله در جزئیات بيك مطلبی سبب میشود که این مداخله هم توسعه پیدای کند و اسباب اشکال میشود و بالاخره کار بجائی میرسد که بودجه مجلس شورای ملی را توقیف میکنند و می گویند ما این را نمی پردازیم الا اینکه شما تسلیم شوید بآن حرفی که ما میزنیم. این برای مجلس شورای ملی نوبت است که بيك کسیکه از خودش خلق شده است با خودش ستیزه کند. ما هم فکرمان این بود. اما اینکه فرمودند مستخدمین مجلس شورای ملی توسعه داده ایم بنده عقیده ام این است که برعکس است ما تضییق کرده ایم ما از رتبه ۸ و ۹ که بالاخره حق ارتقاء است آنها را محروم کرده ایم. حق ارتقاء بيك چیزی است که بشر را بسمی و عمل وادار میکند از آن هم که محرومشان کرده ایم. بنا بر این ما توسعه مستخدمین مجلس و تضییقی بر مستخدمین خارجی نکرده ایم که آقا نگران باشید. اگر رخنه هم در قانون استخدام پیدا شود حضرتعالی نگران نباشید بالاخره این جوانهائی که رفته اند در مدرسه و تحصیل کرده اند و همی متوالیاً بیرون می آیند آخر اینها چه بکنند؟ بگذارید بيك راهی هم برای آنها باز باشد که از زحماتشان استفاده کنند این را نگران نباشید بعلاوه خود آقا میدانید که هیئت رئیسه مجلس که مثل مؤمن الملك شخصی بریاستش انتخاب میشود این قدر در نظر دارد که بيك کسی را بیرون بيك مرجحاتی دستش را از کوچه نکیرد بیسوار

اینجا بگذارد و البته وقتی که بيك کسی را انتخاب می کنند بيك مرجحاتی را در نظر میگیرند و می آورند و اگر هیئت رئیسه مجلس از اول فکرش این بوده که این در را بروی محصلین باز کند که اقلانش هفت نای اینها را که بالاخره تحصیل کرده اند و از جوانان خوش قریحه هستند بیاورند این جا و این قدر پشت در نمانند. اگر این طور هم باشد باز ارزش دارد که ما این قانون را برای چهار پنج تا از جوانان فارغ التحصیل خودمان وضع کنیم. بالاخره آن چیزی که ما گمان میکنیم این است که ما زیاده روی نکرده ایم و توسعه هم نداده ایم فقط بکفداری استقلال مجلس را در امور داخلی خودش تا مین کرده ایم و اجازه نداده ایم که دیگران از خارج بیهانه های متنوعی بیایند در کار های ما مداخله کنند. این بد فکری نیست. این فکر در منتهای فرمایشات خود حضرت عالی هم بود. حالا اگر میفرمائید که این اقدام با فکر ما متناسب نیست آن بيك چیزی است. ممکن است که ما نتوانسته ایم فکرمان را تنظیم کنیم با خوب کتابت کنیم ولی فکرمان همین بوده و این فکر هم از همین جا تولید شد و بالاخره بنظر بنده با هم تساوی فکر داریم

آقا سید یعقوب - بنده اخطار دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده جسارت میکنم. عرض کنم آقای تقی زاده فرمودند مغالطه است بنده ناچار هستم عرض کنم که یکی از موافقین بنده بودم و راجع باین قسمت مغالطه نکرده ام بقانون استخدامی که از مجلس گذشته است مراجعه کنند ببینند. اگر مراجعه نکرده اند تقصیر کسی نیست بنده ماده هفتاد قانون استخدام را میخوانم تا اینکه معلوم شود بنده مغالطه نکرده ام: (ماده ۷۰ - مواد این قانون شامل ادارات مجلس شورای ملی نخواهد بود و قانون علیحدت نسبت به ادارات مذکور در هیئت رئیسه مجلس تهیه شده و

بتصویب مجلس خواهد رسید) بنده نمیخواهم عرض کنم که اعلم العلماء هستم ولی بقدر امکان يك مسئله را که میفهمم در اینجا عرض میکنم. قوانین مصوبه را هم نگاه میکنم و خیلی تعجب میکنم از آقای دکتر مصدق که خیلی ساعی هستند و قوانین را ملاحظه میکنند پی در پی تصدیق میکردند.

رئیس - این که اخطار نبود

آقا سید بقوب - بنده بی منطق عرض نمیکنم

رئیس - رای گرفته میشود به سه ماده الحاقیه یا دو تبصره آقاییکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای کازرونی

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون مبتکرات راجع به اهالی میناب مطرح شود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم این خبر کمیسیون مبتکرات نزد هیچ يك از آقایان نیست و میدانند چیست پس اول اجازه بفرمائید طبع و توزیع شود بعد مطرح شود از آنطرف هم قانون چراغ برق یکی از قوانینی است که مبتلا به غالب جاها است و يك توجهی هم در مجلس راجع به این قانون هست که زود تمام شود و بنده مخالفم تا آن قانون نگذشته قانون دیگری از مجلس بگذرد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم راپرتش طبع و توزیع شده با حضور نماینده دولت هم مذاکره شده و نایب خبرش داده شده بعد هم که کمیسیون تجدید شد تأیید کرده است و این هم يك چیزی نیست که قطعی باشد فقط رای بقابل توجه بودنش داده میشود و ارجاع میشود بکمیسیون بودجه و هر مطالعه لازم است در آنجا

باید بشود. مقصود برای حفظ صورت است که بعمل آمده باشد.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای کازرونی آقاییکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(خبر مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی وزارت مالیه را مکلف مینماید که اهالی میناب را از تأدیبه مالیات مستقیم و اراضی دوسال ۳۰۷ و ۳۰۶ معاف دارد و کسریکه از اینراه بر بودجه عمومی وارد میشود از محل صرفه جوئی و اضافه عایدات سال ۱۳۰۵ جبران نماید

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده موافقم بلکه با الغاء کلیه مالیاتهای ارضی موافقم

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده اصولاً نمیخواهم مخالفی داشته باشم ولیکن گمان میکنم ضرور است که آقای کازرونی يك توضیحاتی بدهند ببینم اولاً جزء جمع اینها چه میزان است، دولت از چه مبلغ باید صرف نظر کند، وضعیت آنجا چگونه است. قانون میزبی در آنجا اجرا شده است یا نشده است، بالاخره يك استحضاری پیدا کنیم بعد

قابل توجه شود و برود بکمیسیون آقایانی که در کمیسیون هستند اطلاعاتشان برای خودشان محفوظ خواهد بود ولی تصور میکنم که ضرری نداشته باشد ما هم اطلاع پیدا کنیم و چون عده هم فعلاً برای رای کافی نیست توضیح بدهند که ما هم استحضار حاصل کنیم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - البته نه تنها بنده بایستی توضیح بدهم بلکه باید توضیحات داده شود. خود بخود و از روی میل و هوس و هوس که نمیشود مردم را از تأدیبه مالیات معاف کرد. دلایل دارد. نهایتاً دلائلش را بنده اینجا عرض میکنم و بعضی از دلائل در کمیسیون بودجه باید بعرض برسد دلائلی را که اینجا باید عرض کنم بطور خلاصه و بقدری که کافی باشد برای رای دادن بقابل توجه بودن و ارجاع به کمیسیون این است که میناب یکی از شهرهای قدیم و در بدترین نقاط مملکت از حیث آب و هوا و مهمترين نقاط مملکت از حیث موقعیت واقع شده اصلاً مردمش فقیر و بدبختند. علاوه سال گذشته اولاً خشک سالی بود و زراعت نشد و ثانیاً ملخ آمد ملخ خاکی که زراعت را خورد ثالثاً ملخ مصری آمد اشجار آنها را خورد رابعاً و با آمد قریب شش هزار نفر از آنها رانگف کرد علاوه بر اینها آنها ممنوع شده اند که اگر چیزی هم باقی مانده باشد نتوانند بخارج بفرستند يك جهات و دلائل دیگر هم موجود است و گمان می کنم باین اندازه که آقا میخواهند همینقدر کافی باشد و فعلاً قریب پانصد نفر مردمان گرسنه، رهنه، بیچاره اینها الان در عباسی سرگردان هستند بکمدشان هم فرار کرده اند گمان میکنم همین اندازه کافی باشد

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این

طرح آقاییکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد های ماده دوم

لابحه چراغ برق قرائت میشود
افشار (مخبر کمیسیون فوائد عامه) - اجازه میفرمائید
رئیس - قرائت شود یا برود بکمیسیون
بعضی از نمایندگان برود بکمیسیون
رئیس - ماده سوم

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت امتیاز از بازده سال تجاوز نخواهد کرد
رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده در این قبیل چیزها عقیده ام این است که هر کس میل دارد در این اموراتی که اسباب ضرر نوع و مملکت نیست و اسباب آسایش مملکت است آزاد باشد. هر کس میخواهد کار خانه بیاورد بیاورد. چون بترقی مملکت کمک می کند اینکه محدود بکنند و قانون بگذرانند و مردم را در این امور محتاج باجازه بکنند حالا این گذشته عقیده آقایان این است که قانون در بین باشد که اسباب رقابت نشود و بنده عقیده دارم که اگر رقابت بشود مملکت بهتر ترقی میکند نا وقتی که رقابت نباشد و از همه اینها گذشته (مدت امتیاز زیاده از بازده سال نخواهد شد) اینجا از آقای مخبر کمیسیون استدعا میکنم توضیح بدهند چه نظری است که مدت را بازده سال قرار داده اند چرا چهارده سال یا بیست سال قرار نداده اند گرچه حالا خواهند فرمود که اگر بیست سال هم میکردیم همین ایراد وارد بود اما نظرم این بود که لا اقل بیشتر قرار بدهند. بیست سال قرار بدهند که آن کسی که می خواهد کار خانه بیاورد لا اقل تشویق بشود

مخبر - عرض کنم در اینکه آقا فرمودند باید موضوع چراغ برق در مملکت آزاد باشد البته اگر نظر آقا که فقط (محوطه و وضعیات) ایران را می بینند باین کوچکی نبود خود بنده تصدیق میکنم که اگر ملت ایران کاملاً آزاد بود خودشان اقدامات اقتصادی میکردند و

در اثر يك رقابتهائی البته يك نحصیل موفقیق میشود و مردم هم استفاده میکردند ولی تصدیق میفرمائید که اگر چنانچه ما امتیاز ندهیم چون در مملکت ما شرکت نیست و حقیقه مملکت ما مملکت سرمایه داری نیست فردا از همین عمر هم دیگران استفاده میکنند و ما نمیتوانیم استفاده کنیم. در قسمت امتیاز الان در شهر بروجرد دو نفر از بچار آمده اند که هر کدام يك کارخانه وارد کرده اند یکی تقریباً پنجاه و پنج هزار تومان خرج کرده و کارخانه آورده. یکی هم از طهران يك کارخانه دو هزار تومان خریده و آورده و الان کارخانه دو هزار تومان که دارای قوه پنج شش اسب است با کارخانه پنجاه شصت هزار تومانی رقابت میکند و بالاخره الان مدتی است که این دو کارخانه هیچکدام نتوانسته اند کاری بکنند اینها را دولت در نظر گرفته است و این لایحه را بمجلس آورده است و بالاخره معتقد شده که برای مدت پانزده سال امتیاز بدهد که در ظرف پانزده سال يك سرمایه های داخلی در این مملکت ایجاد شود و مردم رغبت باین کارها بکنند. البته بعد از آن آزاد خواهد بود بعلاوه آقا باید این مسئله را متوجه باشند که این لایحه را اصلاً دولت آورده است دولت هم مدت را پانزده سال قرار داده است اگر آقا نظرشان غیر از این باشد ممکن است پیشنهادی بدهند می رود بکمسیون البته اگر دولت موافقت کرد ما هم قبول میکنیم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - نظر باینکه آسایش عامه را در این امتیاز در نظر دارند و بعضی آقایان محترم هم در جلسه گذشته نسبت باسایش عمومی مذاکراتی فرمودند بنده هر قدر این امتیاز را مذاقه کردم بیدم بهیچوجه آسایش عمومی در این امتیاز که منظور نیست سهل است حتی خیلی زحمت هم برای امتیاز گیرنده و هم برای مردم فراهم میشود زیرا این مدت پانزده سال که ذکر میشود واقعا پانزده سال يك شهر با يك محلی را اسیر میکنند

بدست یکنفر که بار امتیاز میدهند. آقای مخبر محترم در ضمن بیاناتشان فرمودند که يك اشخاص خارجی خواهند آمد و این کار را خواهند کرد. البته ممکن است مقید کرد چراغ برق برای اتباع داخله آزاد باشد. اتباع خارجی را بگذاریم کنار. این زحمت ندارد از این گذشته بروجرد را مثل قرار دادند در صورتیکه در طهران هم چراغ برق هست و همیشه در کشمکش و زحمت است از قوه خودش زیادتر چراغ میدهد و همه کس هم دائماً در این فکر است که يك چراغ برق مرآبی برای این مردم فراهم شود. آقای افشار فرمودند در بروجرد دونا چراغ برق آورده اند و این را دلیل بر خوب امتیاز تصور کردند در صورتیکه بنده تصور میکنم این دلیل برعکس است. چرا نمیفرمایند در گیلان در تبریز در اینچاهها ساهاست که امتیاز داده اند و همینطور مردم گرفتار و در زحمت يك اشخاص هستند که نه خوشان استفاده کرده اند و نه مردم استفاده داده اند؟ همیشه در دادن امتیازات دو چیز را باید در نظر داشته باشیم یکی آسایش عمومی و یکی اینکه در مملکت ما يك طرقی بایستی برای زبید روت پیدا شود. البته تصدیق میفرمائید که این مملکت يك مملکتی است نسبت بممالک دیگر قدری فقیر و آن فقرش از بات این است که مردم دنبال يك کار هائی رفته اند و يك ابواب جدیدی را بر روی آنها مفتوح نکرده ایم کارخانه الکتریک يك چیز مهمی نیست. امتیاز را در موردی باید داد که يك کار مهمی باشد يك معدنی باشد که يك سرمایه زیادی بخواند یا يك کارخانه باشد که در آن يك رقابت هائی مضر خواهد بود از امثال کارخانه کبریت یا چیز دیگر این است که بنده با پانزده سال مخالف این الکتریک يك چیز آسانی است که هر کس میتواند بقدر بدست سی هزار تومان ده هزار تومان متور بخرد و در شهر الکتریک بگذارد و برای آسایش عامه هم وسیله است که از حیث رقابت هم ارزان تر

بدهند و هم بهتر لذا بنده پانزده سال را بجز اینیکه يك ملتی و مردم يك شهری و يك عده را اسیر کند نتیجه دیگری برایش نمی بینم
مخبر - عرض کنم بیانات نماینده محترم را اسر يك کسی که دنیای دیگری غیر از دنیای ایران را ندیده بود اظهار میکرد بنده تعجب نمی کردم ولی از کسیکه اروپا رفته و تحصیل کرده خصوصاً که نازه از اروپا مراجعت کرده اسباب تعجب است که بفرمایند الکتریک اهمیت ندارد. متأسفانه ما ها يك نیایی داریم و فراموش کرده ایم که ده سال قبل از این ما در اطراف این کونه مسائل هیچ تفکر نمی کردیم و بخیال این نبودیم که در مملکت سرمایه داخلی تشکیل شود و يك وضعیات اقتصادی مختص بخودمان را ایجاد کنیم حالا در اثر يك امنیت که فراهم شده بالاخره يك عده بان خیال افتاده اند که از صنایع اروپا استفاده کنند و مملکت خودشان فایده برسانند. در این قسمت حضرت والا میفرمایند که امتیاز دادن صحیح نیست و باید قید شود که منتها بانواع خارجی داده شود در صورتیکه ما این نظر را نداریم مجلس شورای ملی و دولت ایران با سرمایه خارجی هیچ مخالفت ندارد منتهای آرزوی ما این است که سرمایه خارجه بیاید در این مملکت و برای نفع خودش و جامعه ایران کار کند ما که بالاخره میخواستیم الغاء کاپیتولاسیون کنیم مخالفت با سرمایه خارجی نداریم و این نظر دولت و مجلس شورای ملی فقط برای تشویق سرمایه داخلی و تأسیس شرکتهاي داخلی است و اینکه فرمودند مدتی که معین شده موجبات آسایش عامه را فراهم نمیکند و چند جهت دارد که امتیاز يك شهری را بدهیم بيك کپانی آقا تصدیق میفرمائید که در این مملکت الان يك کپانیهای موجود نیست و ما نازه میخواستیم کپانی ایجاد کنیم و آنهایی که قبل از مشروطیت يك امتیازاتی گرفته اند امروز اگر ما میتوانستیم آن امتیازات را اصلاح کنیم میکردیم

لکن نظر باینکه ما قانون ادوار گذشته قبل از مشروطیت را تا کنون محترم شمرده ایم نمیخواهیم نسبت بآنها وارد در يك مراحل بشویم ولی میخواستیم بعد ها طوری کنیم که اشخاصی که امتیاز میگیرند حتی الامکان در حدود مقررات آن امتیاز رفتار کنند و جامعه هم از آنها استفاده کند تا تشویق سرمایه داخلی بشود.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - عده برای مذاکره کافی نیست. آقای بروجردی هم پیشنهاد تنفس کرده اند

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادهای ماده سوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده سوم بترتیب ذیل نوشته شود مدت امتیاز را وزارت فوائد عامه با رعایت خصوصیات محلی و مقتضیات تقاضا کننده امتیاز معین خواهد نمود مدرس

پیشنهاد آقای دبیا

پیشنهاد میبایم ماده ۳ بترتیب ذیل اصلاح شود مدت امتیاز حد اقل ده سال و اکثر پانزده سال خواهد بود.

رئیس - اجازه میفرمائید پیشنهادها مراجعه شود

بکمسیون

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده چهارم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - حد اقل قوه کارخانه در بدو تأسیس بتناسب اهمیت و احتیاجات محل توسط وزارت فوائد عامه با موافقت نظر بلدیة محل معین خواهد شد بعلاوه صاحب امتیاز متعهد خواهد بود که در صورت

افزایش احتیاجات در ظرف ششماه تا یکسال وسایل تربید قوه را در حوزه امتیازیه فراهم نماید
رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده تصور میکنم که راجع باین قبیل امتیازات باید يك مذاکرانی بشود برای اینکه باستی بالاخره يك وسائلی پیش گرفت که این قضایا در مملکت پیشرفت کند و مباحثه که در این جا میشود روی هیچ فرضی بجز اصلاح این مواد نیست و بهمان دلیلی که بنده مدتی در اروپا بوده ام و دیده ام در آنجا وسائل برای مردم فراهم است و بهمین جهت هم در آنجا زیاد شده عرض میکنم . بنده عرض کردم ممکن است چراغ برق را آزاد بگذارند و خارجی را ممنوع کنند از این مسئله چون آقای مخبر محترم در آن موقع فرمودند که اگر آزاد بگذاریم دیگران استفاده خواهند کرد . بنده نفهمیدم دیگران کیها خواهند بود و ایشان در رد عرض بنده باز هم صحبت از کاپیتولاسیون و این قضایا کردند که هیچ مربوط باین مواد نیست در صورتیکه در اینجا در ماده دوازدهم مینویسد این غیر قابل انتقال است این بخارجه ها و در صورتیکه غیر قابل انتقال است این موضوع مورد بحث نیست اما راجع بماده چهارم در اینجا مینویسد حد اقل قوه کارخانه در بدو تاسیس متناسب اهمیت و احتیاجات محل توسط وزارت فوائد عامه با موافقت نظر بلديه محل معین خواهد شد بعلاوه صاحب امتیاز متعهد خواهد بود که در صورت افزایش احتیاجات در ظرف شش ماه تا یکسال وسائل تربید قوه را در حوزه امتیازیه فراهم نماید اینجا بنده سؤال میکنم از آقای مخبر محترم که دولت چه ضمانت و چه تأمینی گرفته است برای اینکه صاحب امتیاز در آن موقع وسائل تربید قوه را فراهم کند . ممکن است شما در بدو امر این امتیاز را به يك کسی بدهید که با يك سرمایه کمی بیاید بمیدان بعد که شما میخواهید مطابق احتیاجات محل قوه را تربید کنید خیلی ممکن است بلکه قطعی است که آن وسائل و آن زمینات برای او

فراهم نخواهد بود . لذا اگر شما يك ضامن از او نگیرید نسبت بسرمایه و آن میزان که شما باو امتیاز میدهید و محقق نباشد بر شما که این امتیاز گیرنده سرمایه اش عقبه دارد یا يك کمپانی میتواند تاسیس کند در آن موقع گرفتار خواهید بود چنانچه اگر آقای مخبر محترم ملاحظه کنند در همین امتیازاتی که داده شده که بنده نمیخواهم اسم ببرم همین گرفتاری ها هست و چون آقا در این جا بروجرد را عنوان کردند ممکن است از نماینده بروجرد سؤال کنند الان در بروجرد در نهایت خوبی هر دو کارخانه کار میکنند و در اینجا کلیه مقصود این است که این امتیازات بيك ترتیبی در بدو امر داده نشود که لازمه اش تشکیل کمیسیون و دعوی بلديه باکارخانه چراغ برق و این قبیل مسائل باشد که فقط باعث این باشد که مردم با چراغ ندهند یا اگر نخواهند این ماده را اجرا کنند او با يك قوه کتتری بقدری چراغ میدهد که هیچ خانها روشنائی نخواهد داشت این است که در اینجا اگر آزاد است باید آزاد باشد اگر امتیاز است باید این مواد طوری نوشته شود که هم امتیاز عملی باشد و هم آن امتیاز گیرنده از عهده بر آید حالا در این مسئله بخصوص بنده میخواهم این را توضیح بخواهم که بچه ترتیب تعهد میشود و اطمینان به این عمل تعهد چیست .

رئیس - آقای رفیع .

رفیع - در ضمن مخالفت در هر ماده نماینده محترم میفرمایند که من عرضی با امتیاز دادن ندارم و با این مسئله من مخالف نیستم و نظریاتم را میگویم . اگر خدای نخواسته کسی باشد که عرضی داشته باشد چه میکند لابد هی مخالفت میکنند و معطل می کند این قانون در شوری است و هنوز کسی عمل نکرده . يك قانونی نوشته اند که دولت با اشخاص داخل در مذاکره شود میفرمایند چطور تعهد میکنند ؟ البته وقتی قانون نوشته شد و يك کسی بیاید يك تعهد دانی میکند

دولت تمام موارد تعهدات را پیش بینی میکند . يك دولت يك وزارنخانه بالاخره آنطوری که لازم است ترتیب اجراء تعهد را خودش میدهد او را متعهد میکند که هر قدر قوه برای شهر لازم باشد تهیه کند . آقا اگر تصور میکنند که باید ضامن بدهد البته این يك تصوری است پیشنهاد بفرمایند که علاوه بر تعهد باید ضامن بدهد پیشنهاد بکمیسیون میرود و کمیسیون مطالعه میکند مقصود بنده و آقا و آقایان دیگر باید این باشد که امتیاز داده شود بداخلی و داخلی اگر بخواند آکسیون خواهشها با خارجها مبادله کند این بد نیست . ما از هر چیز خارجی نباید بترسیم . اگر نجار خارجی پول بیاورند در مملکت ما این بد است ؟ همه جای دنیا از پول خارجه استفاده و ترقی کرده اند . آقا اگر پیشنهادی دارید پیشنهاد خود تارا بفرمائید میرود بکمیسیون . معطل نفرمائید بگذارید این قانون بگذرد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۴ عبارت ۶ ماه تا حذف شود

پیشنهاد آقای عباس میرزا

ماده چهار را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم :

حد اقل قوه کارخانه در بدو تاسیس متناسب اهمیت و احتیاجات محل توسط وزارت فوائد عامه با موافقت نظر بلديه محل معین خواهد شد و صاحب کارخانه باید مقدار سرمایه خود را تعیین و مطابق آن تضمین بدهد و نیز متعهد خواهد بود که در صورت افزایش احتیاجات در ظرف شش ماه تا یکسال وسایل تربید قوه را در حوزه امتیازیه فراهم اگر فراهم نماید مطابق میزان که احتیاج زیاده شده است بدیگری امتیاز داده شود پیشنهاد آقای دیبا

پیشنهاد میباید آخر ماده چهار علاوه شود و در هر صورت

میزان اشتراك و عده چراغ لباید از میزان قوه کارخانه بیشتر باشد

رئیس - ماده پنجم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - اشخاص متفرقه در تهیه قوه الکتریک برای احتیاجات خصوصی خود آزاد ولی از فروش آن ممنوع هستند

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بلی . اینجا نوشته شده است از فروش آن ممنوع باشد - بنده عقیده ندارم چون يك تاجری فرضاً میخواهد يك قوه بیاورد يك قدری از آنرا برای خود مصرف کند يك قدریش را هم بفروشد بنا بر این اگر این عبارت حذف شود بعقیده بنده بهتر است . هر چند میدانم جواب خواهند داد که اگر يك کسی بخواند موتور بیاورد این لطمه بار وارد میآید ولی در هر صورت گمان نمیکنم اینقدر مهم باشد که لازم باشد در اینجا ذکر کنند

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم آقا اگر درست مطالعه بفرمایند معنی این امتیاز این است ما که با مردم دشمن نیستیم . يك بیچاره که آمده است زحمت کشیده خرج کرده کارخانه آورده بالاخره هر کس قوه دارد بفروشد بکار او ضرر میخورد ما نه نسبت بيك شخصی امتیاز دادیم بالاخره و ممتاز میشود نسبت بسایر مردم پس اجازه بفرمائید که سایرین حق فروش نداشته باشند اما برای خانه خودش هر کس بخواند بیاورد اشکال ندارد والا اگر بنا شود همه بیاورند امتیاز معنی ندارد

رئیس - آقای مدرس

مدرس - مقصود مخالفت نیست لیکن تذکری است

در این ماده که باید داده شود تا کمیسیون ملتفت باشد. اینجا در ماده مرقوم فرموده اند. «اشخاص متفرقه در تهیه قوه الکتریک برای احتیاجات خصوصی خود آزاد ولی از فروش آن ممنوع هستند» بنده چندین قبل خیال کردم يك چراغ مخصوصی برای مدرسه و مسجد بیاورم که تقریباً دوپست سیصد تا چراغ بدهد ولی بعد يك شبهه برآید حاصل شد که چون امتیاز چراغ برق را بکسی داده اند شاید گیری داشته باشد. برای اینکه لابد در آن امتیاز چراغ برق که به يك کسی داده اند يك قیودات و تحدیداتی در کار است. لذا این طور پیشنهاد کردم که کمیسیون متوجه این نکته باشد. حالا هم عرض میکنم که بهتر این است نوشته شود (برای احتیاجات خصوصی محدود و مربوط بخود) که اعم باشد از خود شخص و خود توسعه دار غرض این است آقایان اعضاء کمیسیون ملتفت باشند که اگر کسی همچو خیالی بکند عبارت طوری باشد که شاملش بشود.

مخبر - پیشنهاد بفرمائید بکمیسیون میرود تکلیفش معلوم خواهد شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

تقی زاده - این که آقایان می فرمایند مذاکرات کافی است در مواردی است که اقلاً چند نفری نظریه خودشان را در مطالب اظهار کرده باشند و دوسه نظریه معلوم شده باشد و البته شور در لوائح برای این است که نظرها گفته شود و بوکلاء باید فرصت و رخصت داده شود که نظریه خودشان را بگویند تا برای شور دوم نظریات مجلس معلوم باشد و کمیسیون اگر اصلاحی میکنند از روی نظریات آقایان نمایندگان باشند خود بنده شخصاً در مواد عریض داشتم ولی گفته شد مذاکرات کافی است و عرض نکردم در ماده اول و دوم نظریاتی واقفم اظهار شد مذاکرات کافی است در

اینجا هم گفته میشود مذاکرات کافی است خوب اگر در این ماده بنده با سایر آقایان که يك نظر بانی دارند اظهار نکنیم و اگر بنا شود بهمین زودی مذاکرات کافی شود در شور دوم کمیسیون از روی چه نظر بانی میتواند عقاید آقایان و مجلس را بفهمد و لایحه را اصلاح کند؟ لذا بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست اگر

مطلبی دارید بفرمائید

تقی زاده - بنده بطور کلی با این لایحه با تمام موادش مخالفم ولی این ماده پنج در واقع يك انتسابی با اساس مطلب دارد یعنی میگوید دیگران از فروش ممنوعند و حق ندارند در صورتیکه بنده شخصاً عقیده دارم که مسئله واکنداری چراغ برق انحصاری نباید باشد و هر کس باید آزاد باشد که چراغ بیاورد و مردم شهر روشنائی و استفاده بدهد والا این مسئله انحصار يك امر قهرانی و برای مملکت مضرات بعضی اوقات میشود گفت يك لایحه با يك مطلبی خیلی اهمیت دارد يك لایحه دیگر در درجه دوم اهمیت دارد یکی دیگر خیلی مفید است و دیگری کمتر مفید است اینها يك درجانی است که نسبت بیک اموری وجود دارد ولی این مطلب نه خیلی مفید است و نه کم مفید است بلکه صرفاً برای مصالح مملکت مضرات این دلائلی که گاهی در اینجا گفته میشود که اگر کسی سرمایه خرج بکند و چیزی بیاورد دیگری هم اگر بنا شود بیاورد ضرر میزند و باید او مصون باشد. چون مطلب را باید قدری توضیح بدهم عرض میکنم اینطور نیست و اگر بنا شود این نظر در کار بیاید نسبت به تمام امور تجارتی وارد خواهد بود. مثلاً يك کسی ماهوت فروشی میکند دیگری هم که ماهوت فروشی میکنند از روی این قاعده چون اسباب خرابی و ضرر آن ماهوت فروشی اولی را فراهم میکنند پس نباید ماهوت فروشی بکنند. این به عقیده بنده يك دلیل نمیشود برای اینکه دست و پای اشخاص را دولت به بندد و کار را منحصر بیک نفر بکنند و همه را مجبور کنند که از همان بکنند بجز اول و تمام

فائده را هم همان بکنند ببرد. در بعضی از مواقع نادره مورد دارد که امتیاز محدود باشد و این در مواردی است که يك چیز را نمیتواند بدو نفر داد و دو نفر مشغول يك کاری باشند ولی چراغ این طور نیست و مثل آب و چشمه آب میباشد يك کسی که فرضاً میخواهد چشمه در بیاورد و چطور میشود دیگران را از در آوردن چشمه منع کرد و غدغن کرد؟ در صورتیکه که فرضاً اگر دیگری چشمه در آورد شاید خیلی بیشتر کار کند و زیادتر ترشح بدهد. در هر صورت بنده مخالفم و عقیده ام این است که این لایحه برای مملکت مضرت است و الان تمام زحماتی که در طهران داریم و ترقی قیمت چراغ برق و غیره تمام برای این است که ما مردم را در این کار آزاد نگذاریم و منحصر بیک نفر است و دیگران نمی توانند تا بیست تا کارخانه بیاورند ولی وقتی که بنا شد این کار آزاد بشود این قدر مردم کارخانه چراغ برق خواهند آورد تا شهر مستغنی شود. در جواب بعضی از آقایان که فرمودند اگر بنا شود آزاد باشد مضرت است عرض میکنم مشهد که الان شش کارخانه دارد و همه کارخانهایش هم بخوبی کار میکنند چه ضرر دارد؟ مثل دیگرهم کارخانه وارد کرده و اسباب ضرر و خسارت او را فراهم آورد بنده عرض میکنم يك مورد معین و يك موقع مشخص و منحصر بفرزد دایمل نمیشود که ما يك قانونی برای این مسئله از مجلس بگذرانیم و کاری بکنیم که دیگران را منع کنیم و انحصار بیک نفر بدهیم و از آن طرف تمام مملکت و رعایا را مجبور کنیم که بقیمت کران يك چیزی را بخرند. ما اسباب زحمت مردم و مملکت را فراهم کنیم برای اینکه در چند مورد مثلاً ممکن است اسباب ضرر چند نفری فراهم آید. در صورتیکه اینطور نیست و امروزه اساس امور اقتصادی بر رقابت است. تمام چیزهایی را که مردم میاورند روی رقابت است. اگر بنا شود وارد کردن اشیاء منحصر بیک نفر باشد

نمیشود. البته همه باید بیاورند و مطابق قانون عرضه و تقاضا وقتی که يك چیزی زیاد شد ارزان تر میشود اگر بنا شود ما دیگران را منع کنیم حکم این را دارد که تمام ملت ایران و مردم را مجبور کرده باشیم که بقیمت کران و در تحت شرایط سنگینی روشنائی تحصیل کنند این قانون برای این مملکت مضرت است و مثل این است که شما قانونی وضع کنید که کار خانهای که در مملکت موجود است تعطیل کنند و این البته اقتصاداً مضرت است یعنی بعلاوه اینکه این مسئله فایده ندارد مضرت هم هست این است که بنده مخالفم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم بطور کلی اصل رقابت يك چیزی است که اصولاً برای جامعه مفید است و بنده این قسمت از فرمایش آقایان که بطور کلی فرمودند تصدیق میکنم ولی اگر بخواهیم این اصل کلی را با وضعیات و مقتضیات مملکت خودمان تطبیق کنیم میبینیم که چندان مورد پیدا نمیکند و در همین لایحه وقتیکه وارد در اصل قضیه شویم و به حقیقت مسئله نگاه کنیم آنوقت اشتباه رفع میشود. ملاحظه بفرمائید در مملکتی که سرمایه وجود دارد و زیاد هم وجود دارد اگر بنا شود حق امتیاز و انحصار بیک سرمایه دار داده شود البته بجامعه لطمه میخورد زیرا وقتی که سرمایه در يك نقطه متمرکز پیدا کرد و يك خصوصیتی هم ضمیمه شد البته باید تکرار بیفتد و اگر نیفتد برای جامعه مضرت است. اما يك وقت است که ما میخواهیم در يك مملکتی دست بکارهای اقتصادی بزنیم که عملاً و اصولاً سرمایه وجود ندارد و در قدم اول ما باید سرمایه ایجاد کنیم بعد اصل رقابت را اجرا کنیم. بنده خصوصاً از آقای تقی زاده سؤال میکنم که در این مملکت کدام دو نفری را سراغ دارید که هر کدام دارای صد هزار تومان سرمایه باشند و بخواهند برای چراغ برق این سرمایه خودشان را بکار بیندازند؟ مثلاً در شهر تبریز که

بزرگترین شهرهای ما است شما آیا يك همچو در انری را سراغ دارید که بخواهند برای تولید برق با هم رقابت کنند اگر شما همچو چیزی را سراغ دارید البته بفرمائید تا ما هم با شما هم صدا شویم و اصل رقابت را بجرمان بیندازیم اما از حالا ما نمیتوانیم بخیال اینکه شاید در بدست سال دیگر يك همچو چیزی اتفاق می افتد رقابت را متداول کنیم و اسباب زحمت امتیاز گیرنده را فراهم کنیم

اما در اصل موضوع کارخانه چراغ برق که الان در اصفهان دایر شده و در حدود شصت هزار تومان خرجش شده ماهیانه با صد تومان کسر محل دارد در صورتیکه رقیب هم در مقابلش نیست و چراغ را هم شاید خیلی کران میفروشد و بعضی ها شکایت دارند حتی بلدیة میگوید نمی توانم چراغ باین کران را در شهر بحرم و اداره کنم . معذک با این حال چنانچه عرض کردم ماهی پالصد تومان کسر دارد پس اول ما باید در مملکت سرمایه ایجاد بکنیم بعد این ترتیب را که شما فرمودید اجرا کنیم و عیال هم برای ایجاد سرمایه جز این طریق هم راه دیگری میسور نیست . اولاً در این قانون بنده معتقدم که قوه برق را کلیة در تحت قانون بیاوریم و بعد نه تنها در مورد ایجاد قوه برق بلکه در مورد تمام امور و مسائل اقتصادی ما بایستی از طریق دادن امتیاز بانواع داخله سرمایه جلب کنیم و این تنها طریقی است که میشود مملکت را بطرف ترقی و سعادت کشاند و الا این رویه که فعلاً معمول است که يك قسمت از کارهای اقتصادی را خود دولت میکنند غلط ترین کارها است و بجائی نمی رسد . دولت نمی تواند کسب کند . اما این که ماهوت فروشی را مثل زدند بنده خیال میکنم که این شبیه به سفسطه بود فرمودند ما باید ماهوت فروشی ایجاد کنیم و قوه برق را هم ایجاد کنیم آنوقت نتیجه این موضوع را فرمودند جلوگیری از رقابت است این درست دوموضوع متضاد بود که آقا مثل زدند . ما بطور کلی تا يك مدتی ناچاریم این رویه را معمول کنیم تا سرمایه

در مملکت زیاد شود . در این مملکت هنوز اشخاصی هستند که کشیدن چراغ برق را شوم میدانند و اسباب آسودگیامد کارشان را می پندارند در این محیطی نه سرمایه هست و نه جامعه با استفاده از چیزهای طبیعی راغب و مایل است ما ناچاریم در امور اقتصادی يك مزایائی برای مردم قائل شویم تا حاضر و مایل شوند يك کارهایی بکنند .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس -- پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو
(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده پنج بعد از عبارت (احتیاجات خصوصی) مزید شود (منزل یا اداره خود)
پیشنهاد آقای احتشام زاده :

پیشنهاد میکنم در ماده پنج بعد از احتیاجات کلمه خصوصی حذف شود
پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده پنج بطریق ذیل نوشته شود .
اشخاص متفرقه در تهیه قوه الکتریک برای احتیاجات خصوصی محدود مربوطه بخود آزاد می باشند الخ

رئیس -- ماده شش
(باین مضمون قرائت شد)

ماده ۶ - صاحب امتیاز متعهد است کارخانه خود را طوری نگاهدارد که بدون تعطیل برای حوزه امتیاز خود قوه برق تهیه و ما محتاج حوزه مذکوره را مرتفع نماید
رئیس -- آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در این جا یکی از نواقص ماده این است که بعقیده بنده باید ذکر شود کارخانه شب و روز دائر خواهد بود برای اینکه احتیاج قوه برق فقط برای روشنائی نیست بلکه برای هر گونه استفاده ایست و اهمیت چراغ برق برای همه چیز است نه اینکه برای این است که فقط در شب چراغ بدهد انواع احتیاجات را . باید بدانیم و يك قسمت از کارهای او هم در روز است از این

جهت بنده معتقدم که باید کارخانه شبانه روز برای احتیاجات مردم باز باشد

مخبر - آقای نماینده محترم در وقتی که ماده سه مطرح بود اهمیت بقسمت الکتریسیته ندادند و حالا برعکس میفرمایند کارخانه روز هم باید دایر باشد تا يك قسمت عمده احتیاجات بوسیله الکتریک رفع شود ولی تصدیق میفرمایند که اگر بنا شود صاحب امتیاز را مجبور کنیم که بیست و چهار ساعت کارخانه اش را دایر نگاه دارد گذشته از اینکه يك زحمت است اصلاً مصرف و مورد ندارد . بالاخره باید اعتراف و تصدیق کرد که گذشته از بعضی از شهر های بزرگ قسمت عمده از شهرهای کوچک هستند که چندان لزومی ندارد مثلاً در نهاوند اگر بنا شود روز هم کارخانه دایر باشد چه مصرفی خواهد داشت ؟ و برای چه فایده ایست ؟ و چه استعمالی دارد ؟ البته اگر مردم شهر احتیاج برای استعمال قوه برق پیدا کنند و بجدی برسد که لازم باشد بدهی است که بصاحب کارخانه و مبادی لازمه مراجعه خواهند کرد و همان مراجعه آن ها صاحب امتیاز را وادار خواهد کرد که روز هم کارخانه را دایر نگاهدارد

رئیس -- آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - عرضی ندارم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهاد آقای عباس میرزا
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۶ را به ترتیب ذیل پیشنهاد مینماید . صاحب امتیاز متعهد است کارخانه خود را بدون تعطیل شب و روز دایر نگاهدارد

رئیس -- ماده هفتم قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - هرگاه روشنائی حوزه امتیازیه جز در موارد غیر عادی و غیر اختیاری (فرس ماژر) تعطیل

شود و تعطیل مزبور مستند باهمال صاحب کارخانه و یا نواقص ماشین آلات باشد دولت می تواند امتیاز را ملغی نماید

رئیس -- آقای عباس میرزا
عباس میرزا - در این ماده بنده نسبت باین صاحب امتیازی که آقایان می خواهند او را تشویق کنند يك بی عدالتی می بینم برای اینکه هیچ شرطی در کار نیست و هر وقت دولت دلش خواست می تواند این امتیاز را پس بگیرد و باصل حکمیت قائل نشده در صورتیکه این يك چیز لازمی است . بنده اغلب این مواد را ناقص می بینم از این جهت مخالفت میکنم و الا با اصل قضیه موافقم

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع
حاج آقا رضا رفیع - لحن بنده برای موافقت با نماینده محترم است و خیلی خوشوقتم که ایشان برخلاف بعضی از آقایان که با اصلش مخالفند بالا یحتمل موافقت منتهی در مواد يك نظر بانی دارند آنهم انشاءالله با پیشنهادها درست خواهد شد اما راجع به حکمیت تصدیق می فرمائید که این کار حکمیتی لازم ندارد يك دفعه او دفعه ۱ سه دفعه بصاحب امتیاز اخطار میکنند اگر صاحب امتیاز توجه و اعتنائی نکرد آنوقت البته ملغی میکنند حالا در يك موردی اگر اتفاقی افتاده آن ربطی بموضوع ندارد . البته يك مسائلی را باید پیش بینی کرد ولی این مسئله حکمیت چندان موردی در اینجا ندارد در هر حال نظریه خودتان را پیشنهاد بفرمائید امیدواریم کمیسیونهم با نظر جنابعالی موافقت کند .

رئیس - آقای عدل
عدل - بنده با این ماده مخالفم و نظریه بنده تقریباً همان است که حضرت والا فرمودند و همان طور که آقای رفیع دفاع فرمودند بنده عقیده ام این است

ضرب الاجل برای این کار قرار دهند که چندین دفعه دولت به صاحب امتیاز اخطار کند اگر او عمل نکند آتوقت دولت الغاء کند غرض این است نباید بطور کلی اختیار را بدست دولت داد که هر چه دلش خواست بکند و مخالف مواد این قانون عمل کند.

بک تذکر دیگری که دارم این است که از آقایان منشی ها که در طرفین آقای رئیس نشسته اند استدعا دارم بک قدری هم باین قسمت توجه داشته باشند اثر مما توجهی ندارند اقلایان نخته ها که می متصل میگویم بک قدری رحم بفرمایند.

رئیس - اشخاصی که قبلا اسامی شان ثبت شده مقدم هستند

عدل - بلی بنده خودم ملتقم . بنده نظامات مجلس را ملتقم

رئیس - اسم جنابعالی پنج دفعه تا بحال نوشته شده ولی نوبت رسیده است آقایان که اطلاق کردند اسامی شان قبلا ثبت شده بود.

مخبر - بنظر بنده تقشیر و تشخیص فرس مازر یا مواقع قهریه بک چیزی است که بالاخره جامعه آرا باید تشخیص دهد و لازم است که بک حکمیتی برای آن قرار داد وقتی که بک کار خانه چراغ برق تعطیل می کنند البته معلوم میشود اگر تعطیلت مستند بیک امر اجباری بوده آهم معلوم میشود یا وجود این حال آقایان با اگر پیشنهادی دارند در این موضوع بفرمایند در کمیسیون مورد دقت و مطالعه خواهد شد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - ماده هشتم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - صاحب امتیاز متعهد است در ظرف بک سال از تاریخ اعطای امتیاز کار خانه را وارد محل و در ظرف سال دوم بر حسب تصدیق بلدیة محل کار خانه را

دائر و در ظرف اسال سوم احتیاجات محل را بوسیله چراغ برق مرتفع نماید در صورت نقض هر بک از مقررات فوق امتیاز ملغی است

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در لایحه که در ات پیشنهاد کرده بود نوشته بود ناسه سال صاحب امتیاز مکلف است کارخانه را دائر کند ولی در کمیسیون این سه سال را تقسیم بندی کرده اند و همچو قائل شده اند که بکسال باید صاحب امتیاز اسباب و آلات خودش را بیاورد و بکسال دیگر این آلات و ادوات را سوار کند و بکار بیندازد و بالاخره در سال سوم چراغ بدهد. و آن وقت معتقد شده اند در هر بک از سنوات کار هائی را که باید بکند اگر نکرد و بعهده تعویق افتاد امتیاز ملغی میشود بعقیده بنده این بک زحمتی است برای صاحب امتیاز و هماطور که دولت پیشنهاد کرده خیلی بهتر است زیرا مثلا در سال اول ممکن است بتواند آلات و ادوات خودش را بیاورد و این کار را با کار بکه باید در سال دوم بکند در همان سال دوم میکند یا در سال سوم هم سوار میکند و هم چراغ میدهد یا بالاخره هر سه کار را شاید بتواند در ظرف همان سال سوم انجام دهد و این البته بهتر است. مدت همان سه سال باشد منتهی در اختیار خود صاحب امتیاز باشد لذا به عقیده بنده خوب است همان طور که دولت پیشنهاد کرده قرار داده شود یعنی در ظرف سه سال صاحب امتیاز ملزم باشد چراغ بدهد

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

رفیع - نماینده محترم تصدیق میفرمایند که اساساً در این مملکت بک امتیازاتی گرفته شده ولی عمل نکرده اند

و همینطور مانده نظر کمیسیون این بود که مسئله را محدود کند و برای هر قسمتی مبنی قرار دهد که اگر در هر مدت آن کاری که باید بکند نکرد امتیازش لغو باشد. بالاخره باید قائل شد که تمام شهرهای مملکت ما باید روشن باشد و مردم در همه جا از قوه برق استفاده ببرند و مقصود ما این بود که بعمل زد بک تر بشوم. سابق بر این البته راهها شوسه و پرداخته نبود وسائل ایاب و ذهاب و حمل و نقل بطور خوب در کار نبود و از این جهت شاید صاحبان امتیاز نمیتوانستند در ظرف یکسال مثلا آلات و اسباب لازمه را وارد کنند و اسباب کار خودشان را فراهم نمایند ولی امروزه اینطور نیست و وسائل حمل و نقل در مملکت بطور خوبی فراهم است و می تواند در ظرف سال اول آلات و ادوات خودشان را فراهم و وارد کنند و در سال دوم تأسیس و دائر کند و بالاخره در سال سوم کارشان را تمام بکنند و چراغ بدهند و این البته بعمل زد بک تر است زیرا وقتی که صاحب امتیاز خودش را مکلف دید که در فلان مدت فلان کار را باید بکند البته سعی میکند که وسائل کار خودش را تمام کند. معذالك اگر تصور بفرمایید که مطلقاً مدت سه سال باشد پیشنهاد بفرمایید میروند به کمیسیون و البته پس از اینکه توضیحاتتان را گوش دادند موافقت میکنند

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشام زاده - بنده عقیده ام این است که بک اصلاح عبارتی باید در این ماده بشود برای اینکه این طور بکه در ماده نوشته اند مثل این است که اگر صاحب امتیاز قبل از سال دوم بخواهد وارد کند یا قبل از سال سوم بخواهد چراغ را دائر و احتیاجات محل را رفع کند ممنوع است. بنده این طور پیشنهاد کرده ام که نوشته شود در ظرف سال اول فلان و منتها در ظرف سال دوم فلان و منتها در ظرف سال سوم فلان که اگر صاحب امتیاز توانست و وسائلش فرضاً فراهم

شد و طوری شد که قبلا هم توانست در مدت همین کار خانه را دائر کند مانعی نداشته باشد مثلا قبل از مدت سال دوم با سوم اگر موفق شد کار خانه را دائر کند و چراغ بدهد مانع و اشکالی نداشته باشد مقصود این است عبارت طوری باید باشد که اسباب زحمت مردم و صاحبان امتیاز نشود

مخبر - نماینده محترم درست این قسمت را توجه نفرموده اند اگر صاحب امتیاز در ظرف دو سال مثلا بنا باشد کار خانه را دائر کند در ظرف یکسال فلان کار را یعنی بیش از موعد بکه قرار داده شده کار خودش را بکند بدسوی است دوات مانع نخواهد بود و بهتر هم خواهد بود اگر کسی کار را که در ظرف سه سال باید بکند در مدت دو سال فرضاً انجام دهد قطع نظر از اینکه کسی مانع نیست البته مورد تشویق هم خواهد بود مقصود ما همانطور که کسی امتیاز را احتکار نکند کسی که علاقه مند بگرفتن امتیاز و خدمت به شهر و مردم است البته باید وسائل کار خودش را در مدت مقرر فراهم نماید مقصود این است اگر دولت دید صاحب امتیاز در آخر سه سال کار خودش را تکمیل کرده و وسائل کار خودش و دایر کردن چراغ برق را فراهم نکرد و بالاخره علاقه مند نبود و مقصودش فقط تحصیل امتیاز بوده بتواند و حق داشته باشد که این امتیاز را از او بگیرد و بکسی دیگری که علاقه مند بدائر کردن آن است بدهد و آن را از حالت احتکاری خارج کند مقصود همین است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای طاهری

پیشنهاد میکنم ماده پیشنهادی دولت بجای ماده هشتم مصوبه کمیسیون قرار داده شود

پیشنهاد آقای شیروانی

بنده ماده پیشنهادی دولت بجای ماده ۸ خبر کمیسیون

مواد الحاقیه

قانون استخدام اعضاء ادارى مجلس شورى ملي

مصوب ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده الحاقیه اول - ورود بخدمت و رفيع رتبه و تعيين اضافه حقوق اعضاء و اجزای ادارى مجلس شورى ملي و تشخيص و انتخاب اعضاء و اجزاء و مستخدمين ادارى مجلس و تمام ترتيبات و تشخيصات راجع به استخدام ادارى مجلس و كليه اجزای مواد قانون ادارى مصوبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۴ با خود مجلس است بعلاوه دراستخدام مستخدمين الزامى به انتخاب از منتظرين خدمت ادارات دولتى نيست و اين حقوق و اختيارات راجع به گذشته و آينده محفوظ و واجب الاجرا است

ماده الحاقیه دوم - مستخدمين مجلس شورى ملي با شرايط مندرجه در ماده ۴۳ قانون استخدام كشورى با داشتن سى سال خدمت متناوب و با بيست و پنج سال متوالى و با شصت سال عمر ميتواند متقاعد بشوند

تبصره - بنداول و دوم قانون استخدام كشورى هم بطريق فوق تفسير ميشود

ماده الحاقیه سوم - نسبت به دارائى نقدى و جنسى مجلس در مواردى كه اداره مسؤل لزوم آن را تشخيص دهند اخذ وجه الضمانه با دادن ضامن معتبرى حتمى خواهد بود

تبصره - اجزای مواد الحاقیه مذكوره فوق از طرف مجلس با رعايت ماده هفت قانون استخدام ادارى مجلس مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ بعمل خواهد آمد

اين قانون كه مشتمل بر سه ماده الحاقیه است در جلسه چهاردهم بهمن ماه يكهزار و سيصد و شش شمسى بتصويب مجلس شورى ملي رسيده و ضميمه قانون استخدام اعضاء ادارى مجلس شورى ملي ميشود

رئيس مجلس شورى ملي - حسين پيرنيا

پيشنهاد ميخايم

پيشنهاد آقاى احتشام زاده

پيشنهاد ميكنم در ماده ۸ عبارت (و در ظرف سال دوم) و (در ظرف سال سوم تبديل شود) به و منتهى در ظرف سال دوم) (و منتهى در ظرف سال سوم)

رئيس - ختم جلسه پيشنهاد شده است (كفته شد)

صحيح است) آقاى تقى زاده

تقى زاده - بنده يك مطلبى را مى خواهم عرض كنم گرچه خيلى جزئى و ناقابل است و عذر ميخواهم ولى تصور ميكنم بالاخره يك وقتى بايد اين مذاكره در مجلس بشود ما امروز قانون استخدام را از مجلس گذرانديم و براى هر كاري يك آدمى داريم و عده مستخدمين هستند كه براى يك

كار هاي معين هستند خوب است يك نفر هم در مجلس استخدام شود كه از اهل فضل باشد و سواد كامل داشته باشد براى اينكه اين لوايحي كه به مجلس ميآيد و چاپ ميشود از نظر او بگذرد تا اين قدر غلط نداشته باشد زيرا واقعا اسباب شرمندگى است كه اين لوايحي كه

به مجلس ميآيد اين قدر غلط داشته باشد بنده نميخواهم ذكر كنم ولى بطور كلى عرض ميكنم كه از اول مجلس تا بحال لوايحي كه به مجلس آمده اغلاط بي حساب دارد و همه با غلط چاپ شده مثلا در اين جا از اول تا آخر چراغ را با « قاف » نوشته اند و اين همچو

مى نمايد كه مجلس مى خواهد يك قانونى بگذراند كه چراغ با قاف باشد و اين البته خوب نيست . در ساير لوايح هم اغلاط بي شمار و لايحصى است و اگر از صدها تجاوز نميكرد بنده اين عرض را نميكردم و وقت مجلس را

نمى گرفتم ولى تصور ميكنم بهتر اين باشد كه هيئت رئيسه يك شخصى را كه اهل فضل و سواد باشد مقرر بفرمايند كه باين كار كفايت شود و اين لوايحي كه به مجلس ميآيد براى چاپ بمطبعه ميرود از نظر او بگذرد و تصحيح شود رئيس - آقاى تقى زاده اگر كسى را سراغ دارند معرفى كنند

مخبر - عرض مى كنم خبرى كه از طرف كميسيون نهييه شد. (چنانچه نسخه اش در مطبعه حاضر است) درست نوشته شده و اين بك اشتباهى است كه در مطبعه شده است و اداره مباشرت بايد تذكر داد كه يك مصححى بانجا بفرستند تا اين لوايح را در موقع تصحيح كند

رئيس - آقاى ارباب

ارباب كيخسرو - بنده خيلى متأسفم از اينكه ناچارم از مطبعه دفاع كنم اين جا هر تقصيري كه ميشود كردن مطبعه مى گذارند . مصحح اداره تقنينيه اين لوايح را تصحيح مى كند حالا اگر چنانچه در آنجا اشتباهى ميشود مربوط به مطبعه نيست .

رئيس - آقاى رفيع

حاج آقا رضا رفيع - آقاى تقى زاده كه اين فرمايش را ميفرمايند الحمد لله خودشان در هيئت رئيسه هستند و اين لوايح كه بمجلس ميآيد خودشان خوب است اين زحمت را قبول بفرمايند و اين لوايح را در نظر بگيرند و تصحيح كنند . و اين محتاج نيست كه ما يك مخارجي بكنيم و يك كسى را بياوريم مخصوصاً براى اين كار البته وكلا هستند و خودشان اينكار را ميكنند

(مجلس بيست ساعت بعد از ظهر ختم شد)